



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۱۶/۰۹/۲۰۲۳

محمد صالح گردش

ریشه اسم کاشمر

به اساس روایت پیروان آئین مزدیسنا، زردشت دو درخت سرو به دست خود کاشت یکی در کاشمر (کاشمر) و دیگری در فریومد از روستا های توس در خراسان، که در گذار زمان این درختان بلند و ستبر و پرشاخ و برگ شدند و دیدن شان تعجب برانگیز می نمود.

خلیفه متوکل، جعفر پسر معتصم (۲۰۳-۲۴۷ ق) از خلفای عباسی که به ساختن جعفریه یا «سامن رای» مشهور به سامره پرداخت، با شنیدن وصف سرو کاشمر در سال ۲۴۰ هـ ق برآن شد تا آن درخت را قطع و به بغداد انتقال دهند که چنان نیز شد و آن درخت چندین صد ساله نسبت هوس تماشای بیدون زحمت خلیفه به زمین افتاد، تا بعد از اتصال شاخه های آن در بغداد جناب خلیفه به تماشای آن بنشیند. به همین مناسبت شاید درخت سرو را با ناحیه کاشمر یا کاشمر رابطه ی بوده یا اینکه با یادکردن از سرو، همان سرو تاریخی بلند و گشن کاشمر در اذهان تداعی می یافته که فرخی در بیتی گفته بود:

ز لاله های مخالف میانش چون فرخار

ز سرو های نونده کرانش تا کاشمر

درخت سرو کاشمر (کاشمر) از دیرباز یکی از نمادهای جاودانه فرهنگ مردم این حوزه به شمار می رفته که به طرح های گوناگون در آثار هنری مردم این سرزمین ها از بناهای تاریخی گرفته تا پارچه ها و نقش در قالی و گلیم ها چون نمادی تاریخی بازتاب یافته است.

در پیوند به وصف سرو کاشمر یا کاشمر شعرای زبان پارسی- دری از دیر باز سروده هایی سراییده اند که ما در اینجا چند سطری از سروده زیبا و بلند بانو «هما ارژنگی» شاعره معاصر ایرانی را به گونه مشت نمونه خروار ثبت و درج این مقال می نماییم:

در دل دشت فراخ

سربرآورده یکی سرو شکوهمند و سبز

همچو تندیس اساتیری دور

قد برافراخته چون کوه بلند

بی گزند از نفس سرد زمان

سال او گشته فزون تر ز هزار

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

قامت بشکوهش

سایه ساری ست شگرف

که هزاران رمه در سایه آن آسوده

شاخساران سترگش از مهر

جان پناه همه مرغان بوده

این شعر گرفته شد از: (صفحه دوست مزدیسنا اندیش ورجاوند «بهم نوروژیان» مقیم کانادا)

در آثار و نوشته های قدما نیز از بزرگی و گشنی این سرو که جان پناه هزاران مرغ و صد ها گله و رمه در طول قرون بوده نیز به کثرت نوشته شده است.

در مقاله «وه رود و زادگاه زردشت» اینکه زادگاه زردشت دامنه های غرب کوه تراجمیر و همین سرزمین های نورستان و کنر ها و لغمان بوده باشد، نگاشته ام. در همان جا یاد آور گردیده ام که این سرزمین ها نیز در گذشته ها بخشی از سرزمین کشمیر (کاشمیر) بوده است. پس محتمل می دانم که یکی از موبدان زردشتی در گذشته های دور، شاید در دوران اشکانیان دو اصله از نهال سرو همین سرزمین را به قسم تبرک منتقل نموده و در دو پایگاه مردمی زردشتیان آن روزگار یکی را در کاشمر و دیگری را در فریومد که هر دو از نواحی سرزمین خراسان ایران امروزی بوده اند، غرس نموده و اسم این سرو مسما به سرزمینی گردیده که از همان جا منتقل و درین دو ناحیت خراسان ایران امروزی غرس گردیده باشند. البته که جزء دوم این واژه که «مر» است، شکل تغییر یافته و تلخیص شده واژه میتره یا میتره که شکل متحول دیگر آن در زبان دری پارسی مهر (خورشید) شده است خواهد بود. در باره گش نیز که جزء اول آن است در مقاله «وجه تسمیه هندوکش» در پورتال افغان جرمن نگاشته ام. البته با یادآوری این نکته که زردشت این دو نهال را در آن دو ناحیت بدست های خود غرس ننموده و قرار روایت های قدیم، زردشت در سرزمین شاهان کیانی یا اسپه ها که یکی از مربوطات آریاویچ یا نزدیکی های همان سرزمین بوده، توسط تورانیان کشته شده است و غرس این نهال ها به احتمال زیاد سال ها بعد از وقوع مرگ زردشت شاید در دوران یکی از شاهان اشکانی صورت گرفته باشد. جزء دوم این اسم در نام سرزمین کشمیر امروزی به هیأت «میر» شکل گرفته و برجاست. محتمل است که این دو سرو در زمان یکی از شاهان پارتی و به دست یکی از موبدان زردشتی همان دوره به این دو ناحیت خراسان غرس گردیده باشند، زیرا خاستگاه و شکل گیری شاخه پارت های اشکانی را نیز سرزمین های غربی کشمیر می دانم که بعد ها در سرزمین های مرو و نسا سلسله بزرگ شاهی را بعد از شکستادن قدرت سلوکیان اساس گذاشتند. به این صورت از دیدگاه این قلم اسم کشمر یا کاشمر در خراسان ایران نیز هیأت تغییر یافته اسم کشمیر (سرزمین مشهور واقع شمال شبه قاره هند) خواهد بود.